

موضوع پژوهش:

کیفرهای جایگزین حبس (شرح مواد ۶۴ تا ۶۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲)

نگارنده: حسین حسن دخت

مدرک تحصیلی: کارشناسی ارشد حقوق خصوصی

آبان ۱۳۹۴

فهرست مطالب

۵.....	مقدمه.....
۷.....	فصل اول- کیفر حبس و اهداف آن.....
۷.....	گفتار اول- معنای حبس.....
۷.....	الف: معنای لغوی.....
۸.....	ب: معنای اصطلاحی.....
۸.....	گفتار دوم- اهداف حبس.....
۸.....	الف: ترساندن (ارعاب).....
۹.....	۱- ارعاب فردی.....
۹.....	۲- ارعاب جمعی.....
۱۰.....	ب: سزا دادن (مکافات).....

- ج: اصلاح و تربیت..... ۱۰.....
- فصل دوم- علل ناکارآمدی حبس و توجه سیاست جنایی به کیفرهای جایگزین حبس..... ۱۱.....
- گفتار اول- علل ناکارآمدی حبس..... ۱۱.....
- ۱- ناتوانی در پیشگیری از جرم..... ۱۲.....
- ۲- شکست برنامه های اصلاح و درمان..... ۱۳.....
- ۳- جرم زا بودن محیط زندان..... ۱۵.....
- ۴- تعارض با اصل شخصی بودن مجازات زندان..... ۱۶.....
- ۵- تحمیل هزینه های اقتصادی بر جامعه..... ۱۶.....
- ۶- تراکم جمعیت زندان..... ۱۷.....
- ۷- مشکلات بهداشتی موجود در زندان..... ۱۷.....
- ۸- تأثیرهای روانی بر زندانی..... ۱۷.....
- ۹- ایجاد مشکلات اجتماعی و خانوادگی..... ۱۷.....
- ۱۰- تأثیر سوء بر شخصیت زندانی..... ۱۸.....
- ۱۱- آموزش و انتقال جرایم..... ۱۹.....
- ۱۲- بیکاری و طرد اجتماعی..... ۲۰.....
- ۱۳- عدم طبقه بندی صحیح در زندان..... ۲۱.....
- ۱۴- پایین بودن سطح بهداشت و اخلاق..... ۲۱.....
- ۱۵- پیامدهای برچسب خوردن..... ۲۲.....
- ۱۶- برآورده نساختن توقعات اندیشمندان حقوق..... ۲۲.....

۱۷- زوال حس مسئولیت..... ۲۳

گفتار دوم - کیفرهای جایگزین حبس در قانون مجازات اسلامی..... ۲۴

نتیجه گیری..... ۲۸

منابع..... ۲۹

مقدمه

واکنش اجتماعی در برابر جرم همیشه در طول زمان و جوامع مختلف یکسان نیست و دگرگونیهای اجتماعی بر درک مردمان از مفهوم جرم و نیز واکنش آنان به جرایم تأثیر میگذارد. وقتی جرم در تصور و اذهان عموم تغییر کرد در تفکر مجازات تجدیدنظری می شود. برای مثال وقتی جرم نشانه بیماری تلقی شود مجازات به مثابه درمان آن خواهد بود. تنوع صورتهای واکنش اجتماعی چه به شکل اقدامات سرکوبگرانه چه به صورت اقدامات پیشگیرنده و چه با هدف اصلاح و درمان باشد حاکی از بینشی چندگانه است که تلفیق آنها به دلیل هدفهای متضادشان آسان نیست.

در جوامع ابتدایی واکنش در برابر جرم غالباً به صورت انتقام ظاهر می شد. مشخصه اصلی این دوره عدم تناسب میان جرم و محازات و جمعی بودن مسئولیت بود. به تدریج و با شکل گیری دولت ها به شکل ابتدایی اصول و قواعدی پدیدار شد که انتقام خصوصی را تعدیل نمود. اصولی مانند قصاص، شخصی شدن مسئولیت و سازش اختیاری به رسمیت شناخته شد. پس از اینکه واکنش به جرم در حیطه وظایف دولت ها قرار گرفت قواعد و مقررات عمومی جرم و مجازات وضع شد. حرکت از مسیر کیفرهای انتقامی تا چرخش به سمت واکنش های اجتماعی سازنده فرآیندی طولانی را طی نموده است. فرآیندی که در جهت رهایی از استبداد قضایی، کیفرهای بدنی، تزدیلی و ترهیبی در پرتو نوآوری های سیاست جنایی و مباحثی چون قضا زدایی، کیفر زدایی و عدالت ترمیمی حرکت نمود. از نظر سیر تاریخی کیفرهای بدنی نخستین نوع واکنش به جرم بوده است. مجازات هایی بسیار شدید مانند کشتن، سوزاندن، قطع اعضاء و جوارح، شلاق و شکنجه های تحقیرآمیز و طاقت فرسایی که در مورد بسیاری از جرایم اعمال می شدند. کیفرهایی که عموماً با رنج و درد بسیاری برای مجرمین همراه است. پس از لغو کیفرهایی بدنی در پرتو تحول اندیشه انسانی و شکل گیری و تأثیر گذاری مکاتب مختلف فلسفی و حقوقی بر اندیشه اجتماعی مجازات های سالب آزادی به رایج ترین ضمانت اجرای کیفری جوامع گوناگون تبدیل شد. واکنش های سالب آزادی نیز به تدریج آثار سوء خود را بروز داد و جرم شناسان و کیفرشناسان را نگران نتایج ضد اجتماعی گسیل شدن بزهدکاران به زندانها نمود. نتایجی که باهدف عدالت کیفری به ویژه پیشگیری، بازدارندگی از تکرار جرم و درمان و اصلاح در تعارض بود.

بنابراین از دهه ۱۹۷۰ میلادی طرح مباحث حبس زدایی و گوشزد ساختن آثار نامطلوب ناشی از مجازاتهای سالب آزادی، همراه با تورم جمعیت کیفری زندان، کیفرشناسان و محققان را در جستجوی ارائه راهکارهای نوین قرار داد.

در این پژوهش سعی شده در طی دو فصل و در پی پاسخ به سه سؤال به بحث در مورد حبس و کیفرهای جایگزین آن پرداخته شود.

نخست آنکه حبس به چه معناست و چه هدف هایی را دنبال می کند؟

دوم آنکه علل ناکارآمدی مجازات حبس و روی آوردن سیاست جنایی به کیفرهایی جایگزین آن چیست؟

و در سومین گام به کیفرهای جایگزین حبس مذکور در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ پرداخته می شود.

فصل اول- کیفر حبس و اهداف آن

در این فصل بر حسب ضرورت و برای تبیین مطلب ابتدا در گفتار اول مفهوم حبس از نظر لغت و اصطلاح حقوقی آن بررسی گردیده است و سپس در گفتار دوم اهداف کیفر حبس به تفصیل اشاره شده است.

گفتار اول- معنای حبس

الف- معنای لغوی

حبس در لغت به معنای منع کردن و مانع شدن است. در فرهنگ عمید واژه حبس به بازداشتن، زندانی کردن، بازداشت و همچنین به زندان معنی شده است .

در دائره المعارف علوم اسلامی قضایی آمده است :

۱- "حبس در لغت به معنای منع کردن است، زیرا کسی که حبس می شود ممنوع از خروج از مکان معین است.

۲- حبس شرعی، حبس در مکان معین نیست. حبس شرعی اینست که شخص را از آزادی عمل در رفت و آمد بازدارند یا او را از این کارها محدود کنند. پس ملازمت مدیون از جانب دائن یک نوع حبس شرعی است."

ب- معنای اصطلاحی

در اصطلاح حقوق جزا حبس به معنای سلب آزادی تن است که در یک مکان و در زمانی معین صورت می گیرد. در کتاب مبسوط در توینولوژی حقوق درباره حبس آمده :

"در حقوق جزا حبس عبارت از سلب آزادی و اختیار رفت و آمد در مدت معین یا نامعین که در آن زمان حالت ترخیص نباشد و گرنه توقیف خوانده می شود نه حبس".

اصولاً از نظر حقوق جزا حبس مجازاتی است که وفق قانون و بر اساس حکم قاضی بر محکوم تحمیل می شود. چنانچه حبس، غیرقانونی و بدون صدور حکم دادگاه صورت پذیرد نه تنها بدان مجازات گفته نخواهد شد بلکه این عمل خود در قوانین جزایی جرم انگاری شده است. فصل دهم از کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازاتهای بازدارنده) در مواد گوناگونی به جرم محبوس ساختن مغایر با قانون و مجازات آن پرداخته است.

گفتار دوم- اهداف حبس

هدفهای کیفر را به طور کلی می توان حول سه محور خلاصه کرد. این هدفهای سه گانه در کیفر حبس نیز به یقین دنبال می شود ولی تأکید بزرگی بیش از دیگری حسب زمان و مکان یکسان نبوده است.

الف- ترساندن (ارعاب)

اصولاً انسان از بخطر افتادن جان، مال، آزادی و آبروی خود هراس دارد. از این رو این فاکتورها ضمانت اجرای مناسبی هستند تا افراد جامعه نسبت به انجام هرگونه بزهکاری دچار رعب شوند. به عبارت دیگر چون با اعمال مجازاتها مال (جزای نقدی) جان (اعدام) آبرو (رسوایی) و آزادی (حبس) فرد بخطر می افتد. لذا افراد جامعه سعی می کنند از ارتکاب اعمالی که چنین پیامدهایی دارد اجتناب ورزند. قانونگذار با این تصور که ترس از زندان ممکن است بزهکاران احتمالی را از اندیشه بزه منصرف کند؛ با اجرای کیفر حبس امید دارد درس عبرتی به آنان داده باشد و در واقع نتیجه ترس و ارعاب کیفر حبس را بازدارندگی آن تلقی می کند. گاه این ارعاب با هدف بازداشتن شخص بزهکار از ارتکاب جرم است و گاه هدف آن پیشگیری عمومی از ارتکاب بزه است.

۱- ارعاب فردی:

انتظار می رود که بزهکار با تحمل سختی و رنج مجازات زندان و ممنوعیت های بسیار حاصل از آن از جرم ارتکابی خود پشیمان شود. بی تردید حبس خصوصیتی دارد که تأثیر آن را در جلوگیری از وقوع جرم غیرقابل انکار می نماید. از جمله این ویژگیهای رنج آور بودن و رسوا کننده بودن زندان است. مجرم با اعمال مجازات درباره او و تحمل سختی و مشقت آن درمی یابد که اگر در آینده باز هم مرتکب جرم شود همین سرنوشت وحشتناک یا حتی در برخی موارد شدیدتر از آن در انتظار وی خواهد بود. ارعاب فردی که در

مواردی از آن به پیشگیری اختصاصی نیز تعبیر شده زمانی محقق می شود که میان جرم و مجازات تناسب وجود داشته باشد و در واقع رنج حاصل از کیفر برای مجرم بیش از سودی باشد که از جرم عاید وی می شود.

۲- ارباب جمعی:

هدف اجتماعی مجازاتها آن است که در دل سایر مردم رعب و هراس بوجود بیاورد و مانع از ارتکاب جرم توسط آنان شود. جامعه با مجازات بزهکاران به دیگران هشدار می دهد که در صورت ارتکاب جرم سرنوشتی شبیه این افراد دارند تا به این طریق فکر ارتکاب جرم را از ذهنشان بیرون کند. البته ایجاد ترس در توده مردم و در نتیجه بازداشتن آنان از ارتکاب جرم در روزگار ما محل تردید است یا دست کم به عوامل اجتماعی متعددی بستگی دارد.

«پیشگیری عمومی زمانی با ارباب دیگران محقق می شود که اوضاع اجتماعی و فرهنگی تحقق آن را ممکن سازد. از جمله عدالت کیفری همواره باید صحت و مشروعیت خود را به اثبات برساند. به عبارت دیگر این اعتقاد که مجازات درباره عموم مردم یکسان به اجرا در می آید و جامعه از خطای هیچکسی چشمپوشی نخواهد کرد، باید در اذهان مردم رسوخ کند.»

ب- سزا دادن (مکافات)

عدالت اقتضاء می کند که جرم بدون مجازات نماند. امروزه نیز همین مقصود در اجرای مجازات تعقیب می شود. بزهکاری که با ارتکاب بزه خود رنج و ستمی به بزه دیده و جامعه وارد آورده؛ با کیفر دیدن خود نیز متحمل رنج خواهد شد. و این سزا و مکافات لطمه ای است که به دیگران تحمیل کرده است. خصوصیت آزار دهنده مجازات از همان هدف مکافات دهی ان سرچشمه می گیرد. در گذشته اعمال شاقه اجرای مجازات حبس را با سختی و جانکاهی توأم میکرد ولی امروزه محرومیت از آزادی خود به تنهایی مضیقه ای است. محرومیت از آزادی آمد و شد، از ملاقات دیگران و ممنوعیت از انجام شغل و حرفه ای که فرد بدان مشغول بوده و بسیاری دیگر از محدودیت های ریگر در زندان سزای عمل مجرمانه بزهکار است.

پ- اصلاح و تربیت

ارباب و سزادهی غایت اصلی و نهایی مجازات نیستند و مجازات هدف اصلاح و تربیت بزهکار را نیز دنبال می کند. از قرون هفده و هیجده میلادی به این طرف در اثر پیدایش افکار و عقاید جدید و ظهور مکاتب حقوق کیفری مانند مکتب تحقیقی و دفاع اجتماعی جدید به تدریج این تفکر در نظامهای مختلف ظهور کرد که کیفر سالب آزادی را باید به گونه ای اعمال کرد که مجرمین را به بدی اعمال خود آگاه کند و از طریق اصلاح و تربیت و باز چرووری اجتماعی آنان را برای زندگی بهتر و سازگاری اجتماعی مهیا کند.

البته به تجربه ثابت شده که حبس بزهکاران به تنهایی و بدون اقدامات اصلاحی و تربیتی تأثیر مطلوب و قابل قبولی در جلوگیری از ارتکاب جرم و تکرار آن نداشته است.

دانشمندان حقوق جزا و جرم‌شناسان معتقدند تنها حبس مجرم در زندان و سلب آزادی از او برای هدایت وی به راه راست و صواب و جلوگیری از تکرار جرم در آینده کافی نیست زیرا روز به روز بر تعداد کسانی که پس از خروج از زندان مجدداً مرتکب جرم می‌شوند افزوده می‌گردد.

به همین جهت متخصصین علوم جزایی و جرم‌شناسی کوشیده‌اند تا در سیاست اداره زندانها و نحوه اجرای مجازات حبس تغییرات بنیادی بوجود بیاورند تا با تربیت و هدایت و بازسازی مجرمان حس مسئولیت پذیری در آنها بیدار گشته و گامی بلند در جهت جلوگیری از ارتکاب مجدد جرم و سقوط مجرم در گرداب بزهکاری برداشته شود. از همین رهگذر است که در نظام های جدید جزایی اصل فردی کردن مجازات ها، طبقه بندی بندی زندانیان، ایجاد کارگاههای آموزشی گوناگون به منظور دست یابی به این هدف ایجاد شده است.

فصل دوم- علل ناکارآمدی کیفرهای سالب آزادی و توجه قانونگذاران به کیفرهای جایگزین حبس

پس از بررسی معنای لغوی و اصطلاحی حبس و تشریح اهداف قانونگذاران از وضع مجازات سالب آزادی در فصل اول، اینک در فصل دوم و در اولین گفتار علل ناکارآمدی کیفر حبس از جهات مختلف به دقت توضیح داده شده و در گفتار دوم کیفرهای جایگزین های حبس در قانون مجازات اسلامی ذکر گردیده است .

گفتار اول- علل ناکارآمدی حبس

پس از بیان اهداف حبس و تأثیر آن در جلوگیری از جرم در این فصل به بررسی علل ناکارآمدی حبس و نیز دلایل توجه سیاست جنایی و قانونگذاران به کیفرهای جایگزین حبس می‌پردازیم.

باید در نظر داشت حبس تنها در صورتی می‌تواند موجبات تنبیه، اصلاح و تربیت و بزهکار را فراهم آورد که با شیوه های صحیح علمی و فنی همراه باشد وگرنه جز گمراهی محکومین و فساد و آلودگی ثمره دیگری در پی نخواهد داشت. به نظر می‌رسد کیفر حبس امروزه دیگر کارایی ندارد و اثرات زیان بار آن بیشتر از فواید و منابع اجرای آن است. به همین دلیل جایگزین هایی مناسب برای کیفر حبس پیش بینی شده اند تا اینکه این جایگزین ها بتوانند اثرات زیان بار کیفر حبس را از بین برده یا اینکه از آن اثرات بکاهند. این دلایل بخشی به اهداف کیفر حبس برمی‌گردد و بیانگر آن می‌باشد که این کیفر نتوانسته اهداف مورد نظر را برآورده نماید بخشی دیگر از این دلایل به نفس کیفر حبس و شیوه اجرای آن برمی‌گردد به عبارت دیگر محیط زندان و قیود و شرایط حاکم بر آن باعث شد

تا مخالفان به فکر ایجاد روشهای جایگزین مناسب برای کیفر حبس باشند... به عنوان مثال جرم زا بودن محیط زندان، تراکم جمعیت و کمبود فضا باعث شکست اصلاح و درمان در زندان می باشد

مجازات ها از اهدافی برخوردار می باشند از جمله آنها عبارتند از: ارباب و عبرت انگیزی و بازسازی مجدد مجرم در جامعه (اصلاح و درمان). مخالفان کیفر حبس معتقدند که این مجازات نتوانسته است اهداف فوق را برآورده کند. ذیلاً به عقاید مخالفان کیفر حبس راجع به ناتوانی و شکست مجازات حبس در تحقق هر یک از اهداف فوق جداگانه می پردازیم.

۱- ناتوانی در پیشگیری از جرم

یکی از اهداف مجازات ها، ارباب و بازدارندگی است. منظور جنبه پیشگیرانه و سودمندانه کیفر می باشد به این معنا که آن کیفر، چنان ترس و واهمه ای ایجاد کند که در وهله اول، نسبت به خود محکوم مرتکب است تا تمایل به ارتکاب مجدد بزه را در او از بین ببرد و در وهله دوم، نسبت به عموم افراد جامعه که جزء بزهکار بالقوه می باشند و ممکن است به تقلید از بزهکار اصلی به دامن ارتکاب جرم روی آورند. تعبیر جلوگیری از اندیشه ارتکاب مجدد جرم از سوی مرتکب را پیشگیری خاص و جلوگیری از ارتکاب جرم به تقلید از بزهکار را پیشگیری عام می نامند. اینکه آیا کیفر حبس توانسته این هدف مجازات ها را برآورده کند یا خیر به درستی معلوم نیست. عبارت دیگر با در نظر گرفتن این هدف برای کیفر، آیا می توان معتقد بود که از ارتکاب جرایم و تکرار آن در سطح جامعه جلوگیری بعمل آمده است؟ آمارها نشان می دهند که این کیفر در برآورده کردن این هدف موفق نبوده است و باز می بینیم که نه تنها عموم افراد از ارتکاب جرم دست نکشیده اند بلکه همچنین بخشی از جمعیت کیفری زندان را تکرار کنندگان جرم تشکیل می دهند و هر ساله براین تعداد افزوده می شود. بنابراین می توان نتیجه گرفت که اگر چه نمی توان نقش عواملی همچون فقر، بیکاری، مهاجرت و غیره را در عدم پیشگیری مجازات حبس از ارتکاب جرم نادیده گرفت اما علت اصلی این امر که بخش عمده ای از جمعیت کیفری زندان را هنوز تکرار کنندگان جرم تشکیل می دهند به نظر می رسد به لحاظ معایب و ایراداتی می باشد که در وجود کیفر حبس و اجرای آن نهفته است. لذا، وقتی که کیفر حبس با توجه به داده های آماری این هدف مجازات را برآورده نکند و اجرای آن مفید واقع نشود توسل به سیاست جایگزینی و برنامه های آن امری ضروری است.

۲- شکست برنامه های اصلاح و درمان

یکی دیگر از اهداف مجازات ها بازپذیری مجدد اجتماعی بزهکار و اصلاح و درمان آنها می باشد. اندیشه اصلاح و درمان بزهکار و بازسازی مجدد وی یکی از آموزه های فکری مکتب دفاع اجتماعی جدید می باشد. اندیشه اصلاح و درمان و بازپذیری در اسناد بین المللی منعکس شده است به عنوان مثال می توان به قواعد حداقل لازم الرعایه راجع به طرز رفتار اصلاحی با زندانیان مصوب ۱۹۵۵ و میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی در سال ۱۹۶۶ توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد اشاره کرد که در سال ۱۳۵۴ به امضای دولت ایران رسیده و مجلس آن نیز آن را به تصویب رسانده است. مفاد همین قواعد و مقرر بود که قبل از انقلاب و بعداً توسط دولت

جمهوری اسلامی ایران با تدوین آیین نامه های تحت عنوان آیین نامه اجرایی حبس در سال ۱۳۷۲ و سپس اصلاحیه آن در سال ۱۳۸۰ به مرحله اجرا درآمد .

همه این معاهدات و مقررات و طرح های بین المللی و داخلی در جهت انسانی کردن مجازات حبس و اصلاح و درمان مجرمین پیش بینی و ارائه شده بودند اما به لحاظ مشکلات و ایراداتی که بر زندان ونحوه اجرای آن وارد می باشد جنبه های اصلاحی و بازپروری کیفر حبس دچار تردید و شکست شده است به گونه ای که زندان امروزه علی رغم تاکید بر جنبه های اصلاح و درمان و بازپروری آن ، نه تنها نتوانسته در درمان و اصلاح بزهکاران موفق باشد بلکه برنرخ تکرار جرم ارتكابی توسط زندانیان بعد از آزادی از زندان افزوده شده است. از جمله مواردی را که می توان در تائید عدم کارآیی کیفر حبس در جلوگیری از ارتكاب جرم و اصلاح و درمان مجرمین بدان اشاره کرد تحقیق بعمل آمده در یکی از استانهای کشور است. بدین صورت که ، میزان تکرار جرم توسط کسانی که تحمل حبس کرده اند ۳۳/۸۲ درصد و در بین کسانی که مجازات آنها معلق شده تنها ۳/۹۵ درصد است . همچنین به گزارش خبرگزاری ایسنا در اینترنت ، قسمت فقه و حقوق در تاریخ ۸۲/۹/۱۹ رئیس سازمان زندان ها در همایش ۳ روزه راهکارهای علمی و فعالیت های مراکز مراقبت بعد از خروج اعلام کرد ۴۰ درصد زندانیان در دنیا پس از آزادی مرتکب جرم شوند و این رقم در کشور ما ۳۰ درصد است .

در توجیه این امر به نظر می رسد که اصلاح و بازسازی در محیط بسته و تحت اجبار کارآیی های لازم را نداشته و زندان با هر کیفیتی باشد بازهم اثر اصلاحی آن نسبت به اصلاح و بازسازی در اجتماع کمتر است. قبل از اینکه به توضیح کامل عوامل شکست برنامه های اصلاح و درمان پردازیم خاطر نشان می شود که برخی از این عوامل نظیر تراکم جمعیت زندان و کمبود فضای مناسب گویای همان جمله است که در ابتدا گفتار مورد اشاره قرار گرفت و آن اینکه این دلایل به نوعی به مشکل از نوع اول دامن می زنند و کیفر حبس نتوانسته هدف خود را برآورده کند. از جمله عواملی که تاثیر بسزایی در عدم موفقیت برنامه اصلاح و درمان بزهکار در زندان دارند.

۳- جرم زا بودن محیط زندان

مخالفان کیفر حبس معتقدند که زندان در عمل به یک محیط جرم زا و مجرم پرور تبدیل شده است .

دلایل زیر بیانگر جرم زا بودن محیط زندان به نظر می رسد و عبارتند از:

الف- زندان مکانی مناسب است برای آماده کردن و انتقال فنون ارتكاب بزه طی مدتی که زندانیان در یک جا با هم ارتباط دارند. عبارت دیگر همان پدیده فرهنگ پذیری از زندان مدنظر است. با این توضیح که در وهله اول ممکن است در اثر تماس با بزهکاران حرفه ای داخل زندان به مجرم حرفه ای تبدیل شود. به همین خاطر برخی معتقدند که زندان موجب ارتقای کیفیت جرم می شود چرا که هر چه تراکم جرم بیشتر باشد مقدار یادگیری شگردها و حيله های بزهکاری نیز بیشتر می شود .

در وهله دوم نسبت به سایر افراد جامعه زیرا زندانی، با آزاد شدن موجب انتقال فرهنگ و فنون مجرمانه به سایر عموم افراد جامعه می شود و پدیده ای به نام فرهنگ پذیری از زندان ممکن است نسبت به عموم رخ دهد و افراد زیادی به سمت ارتکاب بزه با الگو و فرهنگ پذیری از زندانی سوق پیدا کند. در جرم شناسی معاصر نظریه ای با عنوان فرهنگ پذیری از زندان مطرح شده که گونه های فرهنگ زندان در طول اقامت در حبس بر شخصیت و رفتار زندانیان اثر می گذارد .

ب : زندان مکان مناسبی برای ارتکاب خشونت و ستیزه جویی است. خشونت و ستیزه جویی ممکن است یا در نتیجه عمل زندانیان نسبت به یکدیگر باشد یا به واسطه عمل مأمورین زندان نسبت به زندانیان باشد. همچنین خشونت ممکن است به واسطه اوضاع و احوال حاکم در زندان باشد.

۴- تعارض با اصل شخصی بودن مجازات زندان

یکی از اصول حاکم بر مجازات های زندان اصل شخصی بودن مجازات ها است بدین معنا که در مکتب اسلامی هر کس مسوول اعمال خویش است و تخلفات و تعدیات هیچ کس به پای دیگری نوشته نمی شود خداوند در قران می فرماید (ولاتزرخوا وازره و زراخری). حال تلاش عمده حقوقدانان نیز ارائه مجازاتهایی است که ضمن برآورده ساختن اهداف اصلاحی و پیشگیری از جرم قانده مذکور را مراعات کرده باشد. علاوه بر این زندان منجر به قطع رابطه زندانی با زندگی عادی، خانواده، کار و دوستانش می شود. انتظار کسان و بستگان مجرم و در خواست آزادی او و مراجعات مکرر جهت ملاقات زندانی و مسئولین قضایی جهت خلاصی و یا تخفیف مجازات زندانی همه و همه موجب هدر رفتن وقت و فعالیت اقتصادی آنان می شود و فشارهای اقتصادی و روانی که بر اطرافیان زندانی وارد می شود مبین این معنا است که این کیفر با اصل شخصی بودن مجازات زندان مغایرت دارد.

۵- تحمیل هزینه های اقتصادی بر جامعه

مملو شدن زندان از زندانی موجب توسعه تاسیسات و افزایش نیرو و سایر هزینه های مربوطه می شود که تامین آن بر عهده دولت و از بودجه عمومی مملکت می شود توضیح این که در کیفر زندان علاوه بر این که افراد زندانی از کار و فعالیت باز میدارد و جامعه از بازده آنان محروم می شود خزانه دولت نیز به جهت زندانی کردن افراد خلافکار به گونه کنترل نشده هزینه سنگینی را متحمل می شود .

۶- تراکم جمعیت زندان

این عامل مانع از آن است که بتوان مقدمات آزادسازی مجرمان و بازسازی آنان را فراهم کرد. به عبارت دیگر، تراکم سبب می شود که منابع انسانی و مالی بسیاری صرف ((انبار کردن)) انسان ها شود و بنابراین ، کسانی که باید از درمان و برنامه های اصلاحی استفاده کنند ، از آن محروم می شوند. افزون بر آن ، سرچشمه ی ایجاد تنش هم برای کارکنان و هم برای محکومان است.

۷- مشکلات بهداشتی موجود در زندان

زندان ها در اغلب کشورها با کمبود منابع مالی، نبود مراقبت های بهداشتی و تغذیه ی مناسب رو به رواند. هم چنین، زندانبانان دارای آموزش های لازم نیستند. افزون بر آن، حقوق و دستمزد ناچیزی در ازای مسؤولیت مهمی که بر عهده دارند، دریافت می کنند. در برخی کشورها، میزان مرگ و میر در زندان بالاست.

۸- تأثیرهای روانی بر زندانی

زندان هویت محکوم را از میان می برد و بویژه در زندان های بلند مدت ، آن چنان اختلالی در شخصیت او به وجود می آورد که نتیجه ی آن پیروی کورکورانه و محض یا حالت تهجمی ست که به شکل شورش در زندان، درگیری با سایر زندانیان و همانند آن آشکار می شود.

۹- ایجاد مشکلات اجتماعی و خانوادگی

به طور کلی تا زمانی که فرد وارد زندان نشده است هم او و هم خانواده آن شخص از منزلت اجتماعی برخوردار هستند ولی اگر شخصی حتی به عنوان متهم و نه مجرم چند روزی را در بازداشتگاه بگذراند با توجه به عرف عامه مردم و عدم فرق قائل شدن میان مجرم و متهم دیده می شود که با شخص رفتار خوبی نمی شود حال تصور کنیم فرد چند ماهی یا چند سالی را در زندان می گذراند در این زمان می بینیم که هم خود شخص و هم خانواده او موقعیت خوبی را تجربه نمی کنند و در بسیاری از موارد دیده شده است که حتی فرزندان یا بستگان شخص مجرم هم از عنوان مجرم بودن شخص خاصی ضرر دیده اند که این مورد را می توانیم نوعی مخالفت و تعارض با اصل شخصی بودن مجازات ها تفسیر کنیم زیرا در مجازات های سالب آزادی مثل حبس آثار زیانبار اجرای مجازات های چه از لحاظ مسائل خانوادگی تنها مجرم را در بر نمی گیرد و خانواده هایی که نان آور آنها در زندان به سر می برد اگر امرار معاش آنها منحصر به کار کردن آن شخص باشد چگونه از تبعات مجازات ایمن خواهد بود ؟ حال پس از مشکلات فوق الذکر در اجرای مجازات حبس نتیجه خرسند کننده است آن شخص محکوم به زندان نمی شود. در قوانین ایران مواردی که به جایگزینی مجازات حبس منجر می شود وجود دارد.

۱۰- تاثیر سوء بر شخصیت زندانی

زندانی در داخل زندان فرصت زیادی در استفاده از فکر و قوه تخیل دارد اگر این نیرو در جهت مثبت و در راه اصلاح او به کار گرفته نشود قطعاً از این نیرو در جهت خلاف و ارتکاب بزه استفاده خواهد کرد. باید تاکید نمود که زندان تاثیر عمیقی بر روح و روان زندانی برجای میگذارد. این تاثیر شاید سالیان دراز پس از زندان نیز باقی بماند منتقل شدن به زندان تنها یک انتقال فیزیکی نیست بلکه زندانی تازه مجازات شده کسی است که از وضعیتی از مجازات به وضعیت دیگری پا گذاشته است. و از این رو به دنبال هویت جدیدی است که خود را با وضعیت و موقعیت تازه سازگار نماید .

بخشی از این هویت با برچسبی که جامعه به او می زند شکل می گیرد و مابقی آن در ارتباط با افرادی است که با آن ها به سر خواهد برد و به همین علت است که زندان را آموزشگاه بزهکاری نام نهاده اند چرا که فرد از طریق یافته های داخل زندان زمینه بزهکاری و تکرار جرم را فرا می گیرد. همچنین اگر دو عامل آزادی عمل زندانیان و تجمع تعداد زندانی مجرم و ناسازگار با جامعه را که باعث اندیشه مجرمانه زندانیان می شود مد نظر قرار دهیم و یک طرف معادله بگذاریم نتیجه معادله فجایع بی شماری خواهد بود که می تواند در محیط بسته زندان ها اتفاق افتد. همچنین زندان را می توان به بیمارستان شبیه کرد همانگونه که بیماران از بیماری خود می نالند و انتظار بهبود و خروج از بیمارستان را دارند چه بسا با پزشک و پرستار خود به ستیزه بر می خیزند زندانیان نیز با مقایسه کردن جرم خود با جرم دیگران و مدت زندان تعیین شده برای خود و اشخاصی که نظیر جرم او مرتکب شده و بحث در عادلانه و غیرعادلانه بودن احکام صادره نوعی بیماری و نبود آرامش در آنان به وجود می آید که حتی به مراقبان زندان اعتراض و با آنان به خشونت رفتاری کنند.

۱۱- آموزش و انتقال جرایم

اگر پذیرفته باشیم که زندان بمثابه یک جامعه است و می توان آن را همچون یک جامعه کوچک در نظر گرفت لذا همانگونه که یک جامعه به عنوان یک کل دارای یکسری اجزا و عناصر تشکیل دهنده بوده و همواره امکان این است که برخی از این اجزا از قاعده و شکل بهنجار خارج شده و حالت نابهنجار به خود بگیرد در محیط زندان نیز همواره این احتمال دارد که شاهد پدیده ای نابهنجار باشیم. از آنجا که شرایط زندان ها به گونه ای است که احترام به قانون را آموزش نمی دهد بلکه راه های گریز از قانون و نحوه ارتکاب جرایم جدید آموزش داده می شود مجرمان اتفاقی به مجرمان حرفه ای تبدیل می شوند برخی معتقدند که مجرمانی زمانی که وارد زندان می شوند چون ماری گزیده اند ولی هنگام خروج از زندان افعی می شوند .

بنابراین هدف اصلاحی مجازات حبس کوتاه مدت به لحاظ فقدان فرصت کافی از یک سو قابل تحقق نیست و از سوی دیگر مجازات حبس های بلندمدت خطر ناسازگار شدن محکوم با اجتماع را پس از خروج از زندان در پی دارد. در زندان های دسته جمعی نیز به لحاظ اختلاط انواع مجرمین خطر تکرار جرم را افزایش می دهد و زندان انفرادی نیز طبع اجتماعی را در شخصیت محکوم ضایع می کند بنابراین اصلاحات انجام شده در رژیم زندان جنبه اربعایی آنرا کم اثرنموده و انگ زندانی بودن نیز امید بازگشت به زندگی

شرافتمندانه را از بین می برد بدین لحاظ برخی مجرمین زندگی در زندان را به زندگی رنج آور و احياناً پر زحمت خارج ترجیح میدهند.

۱۲- بیکاری و طرد اجتماعی

الف) بیکاری و طرد اجتماعی از دیگر آثار زیان بار زندان محبوس شدن افراد فعال جامعه است. مجازات حبس ضمن آن که در حین اجرا باعث بیکار شدن یک عضو فعال جامعه می گردد پس از اجرا نیز باعث می شود که فرد موقعیت شغلی خود را از دست بدهد و عضوی که در گذشته عضو کاری جامعه بود اکنون بسان عضو بیکار سر بار جامعه شود.

ب) از دیگر مشکلات زندان نبود برنامه های تفریحی و سرگرم کننده برای زندانیان است. بنابراین خود زندانیان مجبورند که یکسری برنامه های تفریحی برای خود به اجرا در آورند که بعضاً برخی از آن بعنوان خلاف زندان محسوب می شود و مجازات در پی دارد.

ج) از سویی زندان موجب طرد اجتماعی زندان می شود و درصدد قابل توجهی از خانواده ها، اقوام، دوستان و هم محله نسبت به مجرم آزاد شده بی اعتنا شده و هیچ تمایلی به معاشرت با وی از خود نشان نمی دهند. این امر سبب می شود که حس انتقام و کینه به جای عبرت و عاطفه در دل زندانی آزاد شده به وجود آید و هر چه بیشتر از جامعه و اطرافیان فاصله گیرد فرد به دور از نظارت و کنترل اجتماعی باز به ارتکاب اعمال مجرمانه مبادرت می ورزد.

۱۳- عدم طبقه بندی صحیح در زندان

یکی از راه های جلوگیری از آسیب های زندان طبقه بندی زندانیان است که باید آن ها را برحسب جنسیت، سابقه، سن، نوع جرم تابعیت، میزان محکومیت به حبس؛ وضع جسمانی و... زندانی کرد.

طبقه بندی زندانیان در زندان های کشور ما بر ملاک سن و جنس قرار می گیرد هر چند برخی مواقع ملاک سن در نظر گرفته نمی شود پس همه زندانیان صرف نظر از این ملاک با انواع جرایم اعم از سنگین و سبک آشنا و همچنین بدون توجه به دفعات محکومیت و نیز بدون عنایت به کیفیت و چگونگی ارتکاب جرایمشان در کنار یکدیگر قرار گرفته می شوند یعنی در واقع خواسته و ناخواسته زمینه را جهت آموزش های تبهکارانه و تبادل اطلاعات بزهکارانه فراهم می آورند به همین جهت جوان اغفال شده ای که شاید اگر به زندان محکوم نمی شد احتمالاً هیچ گاه مرتکب جنایات سنگین هم نمی شد بنابراین باید شیوه طبقه بندی زندانیان اصلاح شود.

۱۴- پایین بودن سطح بهداشت و اخلاق

اجرای مجازات زندان غالباً تقاضا می کند که تعداد کثیری از افراد برای مدت زمان مختلف در یک مکان محبوس شوند که در این مدت از آزادی بی نصیب و از تماس با همسرانشان محروم می شوند. با توجه به این که تعداد افراد زندانی سالی به سال افزایش می یابد به موازات آن بر شماره زندان ها افزوده نمی شود اولیای امور ناگزیر آنان را در همان زندان ها جای می دهند از این رو مشاهده می شود که در سلول های زندان سه یا چهار برابر ظرفیتی که از طرف مسولان بهداشت معین گشته زندانی نگهداری می شود تراکم افراد زندانی، فقدان و یا کمبود با همسرانشان باعث می شود که بیماری های واگیردار... در میان آنان شایع گردد .

بدون تردید موقعیت زندان زمینه مساعدی است برای انتقال بیماری های واگیر دار و عفونی مانند ایدز و هپاتیت. همچنین مسائلی زندانها، خالکوبی و سوراخ کردن پوست و نیز شیوع بیماری های روانی ، بیماری گال و ... در زندان بوجود می آید.

۱۵- پیامدهای برجسب خوردن

فرایند برجسب خوردن و برجسب خوردن عده ای در یک جامعه مانند جامعه زندان را نظریه پردازان به دو مرحله اساسی تقسیم کرده اند: انحراف اولیه و انحراف ثانویه

در مرحله انحراف اولیه، افراد از هنجارهای اجتماعی سر برمی تابند ولی برجسب نمی خورند و خود را منحرف نمی نگارند از این گذشته دیگر افراد جامعه نیز هنوز برای آنان احترام قائلند و آنان را منحرف نمی دانند. مرحله انحراف ثانویه زمانی رخ می دهد که رفتار انحرافی توسط افراد مهم جامعه مثل دوستان، والدین، کارفرمایان، مقامات، پلیس و دادگاه علنی و آشکار گردد. خطاکار و شخصی که هنجارها را زیر پا گذاشته به گفته کار فینکل مراسم بی آبرویی برایش اتفاق می افتد که در این صورت شخص محکوم به انحراف می شود سرزنش و مجازات می گردد و مجبور کمی شود که برتری اخلاقی محکوم کنندگان اعتراف نماید و لذا برجسبهایی معتاد مانند ابله، غیرعادی، کلاهبرداری، بدکاره، معتاد و ولگرد و... را از دیگران دریافت می کند.

۱۶- برآورده نساختن توقعات اندیشمندان حقوق

زندان در عمل آنچه را که مدعی آن است ارائه نمی دهد هدف انسان های اواخر سده ۱۸ که برای مجازات زندان اقسام درجاتی را منظور کرده بودند آن بود که مجازات مذکور جنبه عبرت انگیز به خودبگیرد انسانهای اواسط سده ۱۹ را نیز نظر بر آن بود که زندان انفرادی موجبات ندامت محکوم را فراهم سازد. در سده بیستم نیز زندان مکان و وسیله ای بازپروری اجتماعی محکوم محسوب می شد اما حقیقت این است که همه این امید ها برباد رفته است زندان که می بایست ابزار اصلی کنش در مقابل بزهکاری باشد نه تنها به این مهم دست نیافته بلکه آمارها نشان می که بزهکاری و تکرار جرم روند افزایشی مستمر و وحشتناک را داشته است .

علت این امر این است که کیفر حبس بعد از ارتکاب جرم بلافاصله و به گونه دفعه واحده اعمال نمی شود بلکه برای مدت زیادی طول می کشد بنابراین آثار این مجازات در ایجاد اطمینان خاطر برای جامعه و از بین بردن ترس و وا همه آن جرم از نظر افراد

اجتماع محو و نابود می شود و گذشت زمان باعث می شود غلظتی که وقوع جرم در نهاد دست اندرکاران قضاوت و اجرای قوانین کیفری ایجاد کرده بود از بین برود در نتیجه حالت دفاعی آنها کم شده و در تعیین نوع و مقدار کیفر تحت تاثیر قرار گیرد چه بسا اوقاتی که کیفر تایک دهم مقدار معمولی کاهش می یابد و نهایتا گناهکار، مجازات انجام شده را ناچیز می شمارد.

۱۷- زوال حس مسئولیت

مجازات زندان نه تنها نیروی بازدارنده ندارد بلکه حس مسئولیت را نیز در نهاد زندانیان از بین می برد و آنان را به بیکاری و تن پروری سوق می دهد زیرا بسیاری از زندانیان مدت زیادی را در زندان به سر برده اند و در آنجا با بیکاری و تن پروری روزگار گذرانده اند و تمامی نیازهای آنان از خوراک و پوشاک، مسکن ... بدون تحمل زحمت تامین گشته ، چنان این وضع عادی جلوه می کند که حتی برای بیرون آمدن از زندان میل چندانی نشان نمی دهند. در نتیجه احساس مسئولیت در مقابل خود و عائله شان در نهاد آنان نابود می شود چنانچه از زندان بیرون بیاید دوباره مرتکب جرمی می شوند تا به زندان برگردند چرا که در زندان به برخی حوائجشان دسترسی پیدا می کنند که در بیرون از زندان امکان دسترسی به آنها را ندارند از اینرو در زندان هیچ نوع رنجی احساس نمی کنند و به طبع شوق زندان آن ها را به ارتکاب مجدد جرم و می دارد تا بتوانند از واقعیت زندگی خود که در نظر آنها یک نوع زندانی جلوه گر شده خلاصی پیدا کنند .

گفتار دوم- کیفرهای جایگزین حبس در قانون مجازات اسلامی ۹۲

مجازات های اجتماعی جایگزین حبس که نظر به کاهش جمعیت کیفری و کاهش زندانیان و همچنین تأدیب و اصلاح مجرمین با درجات خفیفی از ارتکاب جرم دارد اگرچه در قوانین جزایی دنیا سابقه دیرینه ای دارد اما تا چندی پیش جایی در قانون مجازات اسلامی کشور ما نداشت. البته در سال ۱۳۸۴ لایحه ای با عنوان مجازات های جایگزین حبس توسط قوه قضائیه در مجلس شورای اسلامی ارائه شد اما از سرانجام و نتیجه مشخصی برخوردار نشد. هم اکنون قانونگذار در موادی از قانون مجازات اسلامی جدید مصوب اردیبهشت ۹۲ به مجازات های جایگزین حبس پرداخته و مواردی را در مورد آن بیان کرده است.

اصولاً حبس و زندانی کردن انسان ها با فطرت، خلقت و طبیعت توأم با کرامت انسانی در تضاد بوده و به تعبیری محدود کردن انسان از آزادی، مخالف با ذات وجودی انسان است گرچه در تقابل حقوق افراد، گاهی اوقات جوامع مختلف بر پایه فرهنگ ها، اعتقادات و قواعد خاص مجبورند یک سری قواعد و معیارهایی جهت کنترل و نهایتاً نگاه بانی از حقوق مشروعه افراد وضع کنند که ممکن است گاهی منجر به توقیف یا نگهداری افراد مرتکب تخلف و پایمال کننده حقوق اشخاص دیگر شود.

در قانون ما هم نسبت به این موضوع واکنش های مختلفی به عمل آمده است لکن از آنجایی که حرمت و کرامت انسانی و لیاقت در افراد مختلف ممکن است به دلایل مختلفی از جمله تربیت های خانوادگی، اجتماعی، سواد و اخلاقیات افراد متفاوت باشد این اختیار به محاکم داده شده است تا با رعایت اصولی در خصوص حبس افراد با ظرافت و دقت نظر بیشتری اظهار نظر نموده و حتی در صورت

وجود شرایط لازم دادگاه‌ها بتوانند مجازات حبس را به مجازات دیگری نیز تغییر دهند که در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ در ماده ۲۲ این امر به خوبی بیان شده است که دادگاه‌ها با وجود گذشت شاکی یا اوضاع و احوال خاص متهم یا اقدام متهم به منظور تخفیف آثار جرم و سایر شرایط مندرج می‌تواند مجازات حبس را تقلیل داده و یا حتی به مجازات دیگری تبدیل کند.

با وجود ماده مذکور، دادگاه‌ها صلاحیت تبدیل و تخفیف مجازات را به صورت عام و کلی دارا بودند و فقط به طور استثنا در مواردی از قوانین خاص، این تبدیل و تخفیف محدود بود. به عنوان مثال در قانون تشدید مجازات مرتکبین اختلاس و ارتشا و کلاهبرداری در ماده ۱ تبصره آن، دادگاه فقط تا حداقل مجازات مندرج حق تخفیف داشت که نتیجتاً مرتکب جرم، امکان بهره‌مندی از مجازات کمتر از یک سال حبس را نداشت. این امر موجب می‌شد که در صورت ارتکاب بزه‌ی تحت عنوان کلاهبرداری با هر درجه و شدت و حدت یا ضعفی دادگاه امکان تعیین مجازات کمتر از یک سال را نداشته باشد.

در سال‌های اخیر قانونگذار با توجه به پایان مدت آزمایشی قانون مذکور، مبادرت به تصویب قانون مجازات اسلامی در سال ۹۲ نمود که این قانون در حال حاضر به عنوان قانون لازم‌الاجرا در محاکم جاری و ساری است که قطع نظر از اینکه در مقام عمل گاهی ایراداتی نیز به بعضی از تاسیسات جدید در قانون مشاهده می‌شود اما قانون اخیر التصویب رویکرد نو و جدیدی در خصوص مجازات‌های جایگزین دارد که آن را از ارجحیت نسبت به قانون قبل برخوردار می‌کند و یک امتیاز بزرگ محسوب می‌شود.

قانونگذار ما در تعریف مجازات‌های جایگزین حبس با بر شمردن مصادیق آن تعریف ناقصی از این موضوع ارائه داده است اما به هر حال نسبت به ماده ۲۲ قانون سابق دقیق‌تر، کاربردی‌تر و با مقررات مناسب‌تری به موضوع پرداخته است.

نقطه قوت این قانون این است که از این پس مجازات‌های حبس کمتر از ۳ ماه ضرورتاً به مجازات‌های جایگزین تبدیل خواهند شد و همچنین مجازات‌های حبس از ۳ ماه تا ۶ ماه را در صورت وجود دو قید مندرج در ماده ۶۶ قانون اخیر (عدم وجود سابقه کیفری) نیز ضرورتاً به مجازات‌های جایگزین تبدیل می‌شوند. همچنین مجازات‌های حبس ۶ ماه تا یک سال نیز در صورت وجود شرایط مذکور اختیاراً توسط دادگاه می‌تواند به مجازات‌های جایگزین تبدیل شود. ضمن اینکه مجازات جرائم غیر عمدی نیز حتماً تبدیل به مجازات‌های جایگزین خواهند شد مگر حبس بیش از ۲ سال که با اختیار دادگاه است که این‌ها نکات بسیار مثبتی برای این قانون است.

تعبیر قانون از تبدیل مجازات حبس نه بر اساس نوع جرائم، بلکه بر اساس میزان حبسی که در قانون برای آن جرم تعیین گردیده است مد نظر قرار گرفته است مثلاً در صورتی که هر جرمی با هر عنوان مجرمانه‌ای در قانون میزان مجازاتش کمتر از ۳ ماه حبس باشد دادگاه مکلف است این حبس را به مجازات جایگزین مانند دور مراقبت، ارائه خدمات عمومی رایگان، جزای نقدی و محرومیت از حقوق اجتماعی تبدیل کند.

این موضوع که دادگاه در تعیین نوع مجازات جایگزین حبس اختیار دارد نه تنها ایرادی حاصل نمی کند بلکه می تواند از ثمرات خوب این قانون باشد زیرا افراد مرتکب جرم (حتی از یک نوع جرم) از حیث سن و سال، اوضاع و احوال خاصی که مرتکب جرم شده اند، میزان تاثیر جرم و اثرات سوء آن بر زیان دیده و سوابق کیفری ایشان با یکدیگر متفاوت بوده و مجازات های جایگزین نیز هر کدام مناسب حال افراد مختلف نبوده و دادگاه باید به نسبت ضرورت حاصل شده در تعیین این جایگزین برای افراد اقدام نماید بنابراین مسائل کلی را قانون گذار ارائه داده است و حال آنکه تطبیق آن با افراد مختلف بر عهده و اختیار دادگاه است.

قانونگذار ما در ماده ۷۹ قانون مجازات اسلامی اخیر، هم تعیین انواع خدمات عمومی و دستگاه ها و موسسات دولتی و هم نحوه همکاری این دستگاه ها با قضات اجرای احکام را منوط به تصویب آیین نامه ای نموده است که توسط وزارت کشور و دادگستری تنظیم می شود و به تایید رئیس قوه قضاییه و نهایتاً تصویب هیات وزیران می رسد و مهلت قانونی آن نیز حداکثر ۳ ماه است که با وجود گذشت مدت مذکور تا کنون آیین نامه فوق الذکر تصویب و اجرا نشده است.

قانونگذار در فصل نهم کتاب اول قانون مجازات اسلامی طی مواد ۶۴ تا ۸۷ به موضوع کیفرهای جایگزین حبس و شرایط آن پرداخته است. ماده ۶۴ مصادیق مجازات جایگزین حبس را در پنج مورد احصاء نموده است.:

ماده ۶۴- مجازاتهای جایگزین حبس عبارت از دوره مراقبت، خدمات عمومی رایگان، جزای نقدی، جزای نقدی روزانه و محرومیت از حقوق اجتماعی است که در صورت گذشت شاکی و وجود جهات تخفیف با ملاحظه نوع جرم و کیفیت ارتکاب آن، آثار ناشی از جرم، سن، مهارت، وضعیت، شخصیت و سابقه مجرم، وضعیت بزه دیده و سایر اوضاع و احوال، تعیین و اجرا می شود. تبصره ماده به سنخیت و تناسب مجازات مورد حکم با شرایط مقرر در ماده و لزوم تصریح آن در حکم دادگاه اشاره کرده است.

ماده ۶۹ برای جرایمی که نوع یا میزان تعزیر آنها در قوانین موضوعه تعیین نشده است مجازات جایگزین حبس را پیش بینی کرده است..

مواد دیگر این فصل به تفصیل به تعریف هر یک از مجازاتهای جایگزین حبس مذکور در ماده ۶۴ و شرایط تعیین و اجرای آن پرداخته است.

نتیجه گیری :

حبس به عنوان کیفر در تاریخ تحولات حقوق کیفری یعنی نیمه دوم قرن هیجدهم همواره به عنوان یک واقعیت گریزناپذیر وجود داشته است. هر چند در طی ادوار مختلف تحولاتی در رویکرد به فلسفه مجازات حبس پدید آمده است. حق آزادی که پس از حق حیات اساسی ترین حق بشر محسوب می شود جایگاه خود را پیدا کرد و بر همین مبنا چهارچوب روابط قوای حاکم بر شهروندان بارها تعریف شد و حقوق شهروندی افزایش یافت و این مساله موجب قرونی تکالیف حکمرانان شد. مردم به دنبال دولتهای پاسخگو بودند و انتظار داشتند حاکمان حقوق اولیه شهروندان را به صورت تمام و کمال حفظ و حراست کنند.

محور قرار گرفتن حقوق اساسی شهروندان بویژه آزادی، سلب آزادی از افراد را به عنوان یک استثناء کاملاً محدود مطرح کرد و گستردگی استفاده از حبس و بازداشت موقت را زیر سوال برد و سلب آزادی تنها برای موارد مهم و خطرناک مجاز شمرده شده و از این حیث به لحاظ نظری مشروعیت کاربرد حبس در شکل جاری آن دچار تردید شد و کمتر کسی می پذیرفت که از تمام مجرمان باید سلب آزادی شود.

علاوه بر این ناکارآمدی کیفر حبس و شکست هدف بازپروری و اصلاح آن، سیاست جنایی جوامع مختلف را به مجازاتهای اجتماعی و کیفرهای جایگزین حبس رهنمون ساخت. البته مطرح شدن جایگزین های حبس به معنای حذف کامل حبس از زرادخانه کیفری نیست و هنوز در بعضی موارد زندان به عنوان بهترین پاسخ نهاد عدالت کیفری و جامعه به جرم و مجرم است.

فهرست منابع

الف - کتابها

۱- اردبیلی، محمد علی، حقوق جزای عمومی، ۲ جلد، نشر میزان، چاپ بیست و یکم، ۱۳۸۹

۲- پیکا، ژرژ، جرم شناسی، ترجمه، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، نشر میزان، چاپ دوم، ۱۳۹۰

۳- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، ۵ جلد، انتشارات گنج دانش، ۱۳۷۸

۴- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، دایره المعارف علوم اسلامی قضایی، انتشارات گنج دانش، ۱۳۶۳

۵- حاجی تبار فیروزجایی، حسن، جایگزین های حبس در حقوق کیفری ایران، انتشارات فردوسی، ۱۳۸۶

۶- عمید، حسن، فرهنگ فارسی، ۲ جلد، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۴۲

۷- مجیدی بیدگلی، کبری - ضعاکیش کاشانی، سمیه، ماهنامه اصلاح تربیت سازمان زندانها شماره ۷۴ خرداد ۷۸

۸- نجفی ابرند آبادی، علی حسین، تقریرات علوم جنایی، جلد اول

ب- پایان نامه ها

۱- بابازاده اولقی، «قاسم»، پایان نامه کارشناسی ارشد، زندان و تأثیر آن در تکرار جرم، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۱

۲- تمجید نوجه ده، «فرامرز»، پایان نامه کارشناسی ارشد، تعلیق مجازات در حقوق ایران و انگلیس، دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات، ۱۳۸۱

goleshtarbar.ir